

بنام خدا

درس: تاریخ اسلام ۲ تاریخ برگزاری: سه شنبه: ۹۸/۱۲/۲۰ ساعت ۹-۱۱

مدرس: امیر دهقان نژاد

برخی از منابع تاریخ امویان و عباسیان

۱- تاریخ یعقوبی اثر احمد بن ابی یعقوب

یعقوبی در این اثر به ذکر وقایع از آغاز آفرینش تا نیمه قرن سوم هجری پرداخته است. از این رو بخشی از این کتاب به وقایع عصر اموی و عباسی نظیر قیام ابومسلم اختصاص دارد. یعقوبی سعی کرده در این اثر دلایل وجود روایات مختلف از یک واقع را شرح دهد و روایات را با هم سازگار نماید. این کتاب به لحاظ تاریخ فرهنگی و اجتماعی در قرون نخستین اسلامی نیز دارای اهمیت می باشد.

۲- تاریخ الرسول و الملوک (تاریخ طبری) اثر محمد بن جریر طبری

مهمترین و مشهورترین تاریخ عمومی اسلام به زبان عربی می باشد که از آغاز خلقت تا آغاز قرن ۴ هجری را روایت می کند. این کتاب مآخذ اغلب تاریخ نویسان تمدن اسلامی بعد از طبری بوده است. اهمیت تاریخ طبری در آن است که وی اطلاعات خود از هر دوره را از منابع مختلف جمع کرده که امروزه در دسترس نمی باشند. طبری در این اثر به طریق اهل حدیث به ذکر سلسله روایات و راویان پرداخته و به جرح، تعدیل و تحلیل نپرداخته است. از این رو زرین کوب تاریخ طبری را فاقد روح نقادی و دقت لازم دانسته است.

۳- اخبار الطوال از ابوحنیفه دینوری

کتاب به ذکر حوادث تا سال ۲۲۷ هجری و مرگ معتصم عباسی می‌پردازد این اثر از دو جنبه دارای اهمیت می‌باشد: ۱- مولف خود شاهد بسیاری از حوادث بوده است ۲- استفاده از منابعی که امروزه در دسترس نمی‌باشند.

۴- الکامل فی تاریخ اثر عزالدین بن اثیر

این کتاب مهمترین و مشهورترین ذیل بر تاریخ طبری می‌باشد که به ذکر حوادث تا سال ۶۲۸ هجری پرداخته است. وی هدف خود را از نگارش این کتاب علاقه به تاریخ و نقص (درازگویی و یا اختصار) کتب تاریخ پیش از خود بیان کرده است. ابن اثیر روش طبری در ذکر روایات مختلف درباره یک واقعه را رعایت نکرده بلکه در پی آن بوده است که کامل‌ترین و درست‌ترین روایت را ذکر کند.

۵- مروج الذهب و معادن الجواهر از ابوالحسن مسعودی

تاریخی عمومی است که در آن علاوه بر تاریخ مسلمانان به تاریخ جهان و احوال دیگر ملل نظیر ایران در دوره باستان، هند و جز آن پرداخته شده است. در بخش نخست این کتاب تاریخ خلقت و انبیاء تا قبل از بعثت پیامبر (ص) بررسی شده و بخش دوم کتاب با بعثت پیامبر (ص) و ذکر حوادث تا سال ۳۳۶ هجری پایان می‌یابد.

۶- العبر با نام کامل (العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من

عاصرههم من ذوی السلطان الاکبر) اثر ابن خلدون

این اثر شامل سه بخش مقدمه، تاریخ عمومی عالم و تاریخ شمال افریقا و اندلس تا دوره حیات مولف (قرن هشتم هجری) می‌باشد. شهرت این کتاب بیشتر به خاطر بخش مقدمه می‌باشد که مولف را به عنوان مبتکر و مبدع علم عمران معرفی می‌کند.

۷- تجارب الامم و تعاقب الهمم از ابوعلی مسکویه

مؤلف کتابدار عضدالدوله بویه بوده و لذا به منابع بسیاری دسترسی داشته است از ویژگی های وی گرایش به عقلگرایی، ذوق فلسفی، عدم تعصب و بی طرفی نسبی بوده است این کتاب به شرح حوادث تاریخ ایران و اسلام تا نیمه دوم قرن چهارم پرداخته است.

۸- تاریخ مختصر الدول از ابوالفرج گریگوریس معروف به ابن عبری

این کتاب در تاریخ عمومی عالم به شرح تاریخ ده دولت همچون دولت یونانیان، دولت پادشاهان فرنگ، دولت های اسلامی نظیر امویان، عباسیان، سلجوقیان و جز آن پرداخته است. از آنجا که مورخ دارای شغل دیوانی و پزشکی بوده و حوادث مربوط به یورش مغول و سقوط عباسیان را به چشم خود دیده است این بخش از کتاب او دارای اهمیت است. اما مهمترین ویژگی این اثر شرح حال دانشمندان و تاریخ علمی و فرهنگی هر دوره است که در جوف آن وصف مفصل علوم، فلسفه و فرقه های دینی را آورده است.

۹- الفخری فی الآداب السلطانیة و دول الاسلامیه اثر ابن طباطبا (ابن طقطقا)

این اثر از دو بخش تشکیل شده است. بخشی شامل پند و اندرزهایی برای فرمانروایان و دولتمردان است و بخشی شامل تاریخ اسلام از آغاز تا سقوط بغداد (۶۵۶ه.ق). این اثر از جهاتی دارای اهمیت است از جمله: ۱- این اثر بعد از سقوط عباسیان نگاشته شده است و در نتیجه مؤلف دارای آزادی عمل بوده و دارای دیدگاه انتقادی نسبت به اغلب دولتمردان اموی و عباسی بوده است ۲- پرداختن به شرح حال وزرای عصر عباسی و اقدامات ایشان.

۱۰- فتوح البلدان از احمد بلاذری

در این کتاب به چگونگی فتوحات مسلمین در نواحی مختلف همچون مصر، مغرب، عراق، ایران، سند و جز آن پرداخته شده است. مؤلف در این اثر سعی کرده است از روایات متعدد و متناقض درباره ی یک واقعه

خودداری کند و از روایات نزدیک به واقعیت بهره ببرد. اطلاعات مورخ در این کتاب پیرامون فتوحات شرقی نظیر سند و ماورالنهر که در منابع دیگر کمتر بدان پرداخته شده حائز اهمیت می‌باشد. همچنین این کتاب به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همچون زمین، خراج، مهر، ضرب سکه، زبان دیوان و جز آن دارای مطالب ارزشمندی می‌باشد.

۱۱- البدایه و النهایه اثر ابوالفداء ابن کثیر

این کتاب از سه بخش تاریخی تشکیل شده است: ۱- بدایه: از آفرینش دنیا تا پایان زندگی پیامبر(ص) ۲- از وفات پیامبر(ص) تا عصر مولف (قرن ۸ هجری) ۳- نهایه در حوادث بزرگ آخر زمان. در این اثر علاوه بر تاریخ سیاسی، اطلاعات مفیدی درباره مراکز علمی و فرهنگی، دانشمندان و علمای تمدن اسلامی آمده است. از ویژگی‌های این اثر وجود روایات متناقض می‌باشد.

۱۲- وفیات الاعیان از ابن خلکان

این اثر از مهمترین کتب فن رجال است و شامل شرح حال صدها شخصیت سرشناس سیاسی، دینی، علمی و دیوانی از سال ۷۱ هجری تا ۶۵۴ هجری می‌باشد که بر اساس حرف معجم تنظیم شده است. در تدوین این کتاب از سرگذشت صحابه، تابعین و خلفای راشدین به علت شهرت آنها جز در موارد معدود ذکری به میان نیامده است زیرا به عقیده مولف ذکر این سه گروه در دیگر کتب بسیار آمده است.

۱۳- کتاب الاغانی اثر ابوالفرج اصفهانی

این کتاب شامل آوازه‌ها، دانشنامه شعر، قصه، اساطیر و موسیقی عرب در عصر جهالت، دوره اموی و ابتدای دولت عباسی تا اواخر قرن سوم می‌باشد. اهمیت این اثر در آن است که بیانگر اوضاع اجتماعی، فرهنگی، شهری، درباری و موارد دیگر همچون خوراک، لباس، خلیقات و آداب و رسوم اعراب تا قرن سوم می‌باشد.

۱۴- عیون الابداء فی طبقات الاطبا اثر ابن ابی اصیبعه

از بزرگترین آثار شرح حال نویسی درباره پزشکان در تاریخ اسلام می باشد که توسط ابن ابی اصیبعه از پزشکان معروف شام در قرن هفتم به نگارش درآمده است. کتاب دارای ۱۵ باب بوده که در هر باب به معرفی پزشکان یک دوره پرداخته شده است من جمله باب هایی در شرح حال پزشکان صدر اسلام و دوره اموی، پزشکان عصر عباسی، پزشکان دیگر ملل که وارد سرزمین های اسلامی شده اند، پزشکان مصر، شام و جز آن.... اهمیت اثر در آن است که در جوف آن به بسیاری از زوایای پنهان دربار و زندگی خلفا نظیر رفتار، علایق، زندگی خصوصی، نوع خوراک و.. آنها اشاره شده و به نقش سیاسی پزشکان در نجات یک خلیفه و یا حذف رقبا و دشمنان خلفا اشاره شده است.

۱۵- تاریخ الحکما از ابن قفطی

این اثر شامل شرح حال بیش از چهارصد تن از فیلسوفان، منجمان، ریاضیدانان و اطبای یونانی و اسلامی می باشد که توسط ابن قفطی در قرن هفتم هجری جمع آوری شده است.

منابع پژوهشی

دولت امویان، محمد سهیل طقوش، ترجمه حجت الله جودکی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، ترجمه حجت الله جودکی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

امویان نخستین دودمان حکومتگر در اسلام، جerald هاوتینگ، ترجمه عیسی عبدی، انتشارات امیرکبیر

تاریخ خلافت عباسی، سید احمد خضری، انتشارات سمت

تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام از سال ۴۰ تا ۲۲۷ هجری، محمد امیر شیخ

نوری، انتشارات پیام نو

معاویه بنیانگذار حکومت امویان و سیاست های وی

معاویه فرزند ابوسفیان و هند متولد سال ۵ قبل از بعثت بوده است. وی در روز فتح مکه (۸ هجری) اسلام آورد و وی از کاتبان وحی بود و از سه خلیفه نخست و خواهرش ام حبیبه همسر پیامبر (ص) نقل حدیث کرده است. در زمان خلافت خلیفه دوم معاویه به عنوان حاکم اردن و برادرش یزید به عنوان حاکم شام برگزیده شد. با مرگ یزید برادر معاویه بر اثر طاعون عمواس قلمرو وی نیز به معاویه رسید. او در زمان خلیفه سوم همچنان در سمت خود ابقاء شد و بعد از قتل وی ادعای استقلال نمود و با امام علی (ع) بیعت نکرد. به دنبال شهادت امام علی (ع)، امام حسن (ع) مجبور به صلح با معاویه شد و در نهایت با همکاری معاویه توسط همسرش جعده به شهادت رسید.

معاویه در دوران حکومت بر شام با روش های مختلف آنچنان مردم شام را به خود جذب کرده بود که آنها فکر می کردند معاویه تنها خویشاوند حضرت محمد (ص) است. معاویه برای مشروعیت خود لقب «خال المومنین» و «کاتب وحی» را برای خود در میان مردم ترویج کرد و راویان حدیث را بر آن داشت ده ها حدیث درباره ی فضیلت او بسازند. بر اساس منابع تاریخی معاویه سیاستمداری بسیار هوشمند بوده و برای وی مشخصاتی چون، مدیر، بخشنده، جاه طلب، حلیم و بسیار خشن در مواقع لزوم ذکر شده است.

نیکلاس در کتاب تاریخ ادبیات عرب درباره معاویه آورده است «در کار سیاست از ریشلیو سیاستمدار معروف فرانسوی کمتر نبود و به سبب آشنایی به طبایع انسانی می توانست مردم صاحب نام را که مخالف وی بودند را به

صف خویش بکشاند». به عنوان مثال در برخی منابع آمده است که زنی فقیر بنام دارمیه که از شیعیان امام علی (ع) بود با آنکه معاویه را دشنام داد نه تنها مجازات نشد بلکه صد شتر نیز از سوی معاویه بدو بخشیده شد.

و یا در وصیت‌نامه منسوب به معاویه خطاب به فرزندش یزید آمده است: «مردم حجاز را بنگر که اصل تو و خاندانت از آنهاست. هر کس از آنها پیش تو آمد وی را گرامی دار و هر که از تو دوری گرفت با او پیمان ببند. مردم عراق را بنگر و اگر هر روز عزل فرمانداری را از تو خواستند درنگ مکن، عزل یک فرماندار بهتر است که صد هزار شمشیر از نیام درآید و ندانی که عاقبت آن به زیان کیست. مردم شام را بنگر و آنان را خاص خویش کن و اگر دشمنی به پاخاست او را به کمک شامیان دفع کن. سپس آنان را به شهرشان باز گردان و مگذار از اقامت در جاهای دیگر آداب خویش را از دست بدهند. من از سه کس بر تو بیمناکم، حسین بن علی (ع)، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر. حسین بن علی (ع) امیدوارم که خدا او را کفایت کند چنانچه پدرش را کشت و برادرش را مخدول کرد. عبدالله بن زبیر مردی است مکاره و کینه جو، اگر به او دست یافتی پاره پاره اش کن. عبدالله بن عمر مردی است پرهیزگار وی را به آخرتش واگذار تا تو را به دنیا واگذارد».

البته برخی این وصیت‌نامه را جعلی از سوی هواداران بنی امیه می‌دانند و هدف از تهیه آن را مبرا کردن معاویه از دخالت در به شهادت رساندن امامان شیعه (ع) ذکر میکنند.

معاویه، با تصرف عراق در سال ۴۱ هجری سی سال بعد از پیامبر (ص) تمام سرزمینهای اسلامی را زیر سلطه خود درآورد. وی اولین حاکم اسلامی بود که در بین اختلافات دینی و سیاسی با استفاده از زور، حيله و لشکرکشی نظامی به قدرت رسید. معاویه برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود از مفهومی نوین با عنوان «جماعت» استفاده نمود بدین مضمون که اگر حاکمی بتواند با قدرت سیاسی همه مخالفان را سرکوب کرده و از آنها برای خود بیعت بگیرد در این صورت جماعت به وجود آمده است. خود معاویه هم تاکید داشت که حکومت را نه با دوستی مردم و محبت بلکه با شمشیر بدست آورده و از این رو خودش آن سال را سال «عام الجماعه» نامیده

است. جاحظ در رساله جاحظ آورده است «آن سال سال عام الفرقه و قهر و جبر و غلبه بود سالی که امامت به ملوکیت و نظام نبوی به نظام کسرای تبدیل و خلافت مغضوب و قیصری شد».

وقتی که محمد بن ابوبکر معاویه را محکوم کرد که حق امام علی (ع) را پایمال کرده است معاویه به او گفت:.... اگر این کار خطا بوده نخستین بار پدر تو این خطا را انجام داد و ما در این کار با او شریک هستیم و اگر کار درستی بوده ما به او اقتدا کردیم. ما از کاری که پدر تو انجام داد پیروی کردیم اگر به دنبال عیبجویی هستی نخست از پدر خودت آغاز کن.

علاوه بر استفاده از مفهوم جماعت معاویه از برخی اندیشه‌های موجود در فرق دینی همچون فرقه «جبریه» و فرقه «مرجئه» برای تثبیت قدرت خود و مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش بهره جست. اساس اعتقاد جبریه آن بود که افعال انسان را مخلوق خدا میدانستند و اختیار انسان را نفی میکردند. از بنیانگزاران این اندیشه جهم بن صفوان بود. بنی امیه به شدت از این اندیشه حمایت میکرد. چرا که حکومت‌ها هر اندازه که هم قوی باشند نیاز به یک پشتوانه فکری، فلسفی و عقیدتی دارند تا توجیه گر وضع موجود آنها باشد. درست بود که معاویه و بنی امیه قدرت نظامی و سیاسی را در دست داشتند اما اینگونه نبود که بگویند ما هر کاری را انجام میدهیم و مردم هر چه میخواهند فکر کنند. بلکه بنی امیه نیازمند القای تفکر و اندیشه ای بودند تا مردم بپذیرند وضع موجود بهترین وضعیت است و باید حفظ شود و اندیشه ای که میتواند در این راه بیشترین خدمت را به بنی امیه بکند اندیشه جبریه بود تا مردم به این باور برسند که خواست خدا بود که این اتفاق افتاد و اگر خدا نمی‌خواست این اتفاق نمی‌افتاد. آنچه هست همان است که باید باشد و آنچه نیست همان است که نباید باشد. رواج این اندیشه به معاویه و بنی امیه قدرت میداد که هر مخالفتی را سرکوب و هر جنایتی را توجیه نمایند. عامل دیگری که باعث ترویج این اندیشه توسط بنی امیه شد رواج اندیشه‌های فرقه «قدریه» بود که درست در مقابل اندیشه‌های جبریه قرار داشت. قدریه اعتقاد داشتند که انسان در انتخاب عمل و رفتار آزاد است و این در حالی بود که اندیشه

جبریه به مردم می‌گفت وجود بنی‌امیه و کارهای آنان هر قدر ناروا و ظالمانه باشد جز تقدیر الهی چیزی نیست و به هیچ وجه قابل تغییر و تبدیل نمی‌باشد بنابراین مخالفت با آنها هیچ فایده‌ای ندارد. معاویه برای ترویج عقیده جبریه از شاعران و مداحان بهره می‌جست تا به قدرت رسیدن خاندان اموی را خواست و اراده از پیش تعیین شده خداوند قلمداد کنند.

اندیشه دیگری که معاویه و بنی‌امیه از آن بهره بردند اندیشه فرقه مرجئه بود این اندیشه به دنبال قتل خلیفه سوم و بحران‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از آن شکل گرفت. اصطلاح مرجئه از کلمه رجاء به معنی امیدواری به رحمت الهی و یا رجاء به معنی تاخیر گرفته شده است. مرجئه قضاوت در امور بشر و طبعاً کردار و اعمال حاکمان را منحصر به خداوند میدانستند و عقیده داشتند قضاوت را باید به خدا واگذار و ارجاء داد. این اندیشه در پی دلایلی چند شکل گرفته بود: ۱- ناتوانی ایشان در شناسایی حق از باطل در کوران بحران‌های سیاسی و درگیری میان مدعیان حکومت. ۲- به دلایل سازش کارانه و عافیت طلبی. ۳- اعتقاد برخی از آنان به جبر

ایشان همچنین معتقد به نظریه «اغماض» نسبت به خلیفه وقت بودند و عقیده داشتند نباید به بهانه گناهکار بودن خلیفه علیه او شورش کرد و قضاوت در این باره را باید به خداوند ارجاء داد. لذا این بخش از اندیشه مرجئه مورد توجه امویان بود چرا که در مقابل اقدامات حکام اموی موضع سکوت و بی‌طرفی اتخاذ میکرد.

البته بخش دیگری از اندیشه‌های مرجئه گاه به عنوان ابزاری در دست مخالفان بنی‌امیه قرار میگرفت. چرا که مرجئه عقیده داشتند هر کس به وحدانیت خدا اقرار کند هر گناهی که مرتکب شود و هر عقیده‌ای اظهار کند نمیتوان به وی نسبت کافر داد. از این رو هنگامی که کارگزاران اموی در ماورالنهر به نومسلمانان فشار می‌آوردند و میگفتند که اینان در ظاهر و برای فرار از مالیات (جزیه) ایمان آورده‌اند و باید مانند اهل ذمه جزیه بدهند برخی از پیروان فرقه مرجئه بر علیه بنی‌امیه سر به شورش برداشتند و اعلام کردند نباید خون بیگناهان را ریخت و هر کس به زبان اقرار کرد مسلمان است از حقوق مسلمانی بهرمند است و قضاوت درباره وی را باید

به خداوند ارجاء داد. سر دسته این گروه حارث بن سریق در منطقه ماورالنهر و خراسان بود که بر علیه بنی امیه قیام کرد و قیامش پیش درآمدی بر قیام ابو مسلم بود.

با توجه به آنچه در پیش آمد می توان گفت که اصول اخلاقی و سیاست در نزد معاویه و بنی امیه با اصول ماکیاولی (۱۴۹۶-۱۵۹۷م) در کتاب شهریار بسیار مشابهت داشته است. ماکیاولی عقیده داشت که دین تنها در جایی ارزش دارد که بتواند به قدرت کمک کند و فرمانروا تنها باید در جایی خود را دین دار و اخلاق مدار جلوه دهد که سیاست اقتضا میکند. او عقیده داشت رسیدن به قدرت غایت سیاست است و هدف وسیله را توجیه میکند. نگاهی به اقدامات معاویه و غالب حکام اموی شباهت افکار ماکیاولی با اقدامات عملی آنان را نشان میدهد از جمله

۱- ایجاد ارعاب و ترس در میان مردم از طریق قتل و شکنجه. بلاذری آورده است که معاویه در ابتدای حکومت خود به کارگزارانش دستور میدهد که دوستاناران امام علی(ع) را پیدا کرده و از بین ببرید و اگر دلیل و بینه ای برای این کار ندارید با حدس و گمان از زیر سنگ بیرون بکشید

۲- مکر و حيله و وعده های فریبنده نظیر تلاش برای نامشروع نشان دادن حکومت و شخصیت امام علی (ع) و نشان دادن چهره ای بی دین و جنگ طلب از ایشان

۳- دروغ بستن به بزرگان دین و جعل حدیث. از جمله این حدیث که فرشته ی وحی در یکی از صحبت هایی که با پیامبر داشته فرموده است: «یا محمد سلام مرا به معاویه برسان و او را به نیکی سفارش کن زیرا که امین خداوند به کتاب وحی است و چه امانتدار خوبی است».

